

# تحولات سیاسی و اجتماعی ایران طی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷

مقدمه

این درس ، عملاً ادامه درس تحولات سیاسی ایران از ۱۲۲۷ تا ۱۳۲۰ ش ، می باشد و به تحولات سیاسی و اجتماعی ایران طی سال های ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ می پردازد. همانطور که میدانید این مقطع زمانی از پایان حکومت رضاخان و فرار او از ایران ، شروع شده و تا پیروزی انقلاب اسلامی رادر بو میگیرد . بنابراین ، این درس تحولات سیاسی ایران طی دوره حکومت پهلوی دوم را شامل میشود. مهمترین مباحثی که در طول ترم به آن اشاره شد، عبارتند از :

\_تداوم حکومت خاندان پهلوی ، جنگ دوم جهانی و شرایط ایران

\_تداوم عصر روشنفکری ( روشنفکران نسل جدید ) و ناکارآمدی نخبگان سیاسی ایران بین دو انقلاب

\_جریانه‌ها و جنبش های سیاسی ، مذهبی و انقلاب

\_مسئله نفت (قراردادهای نفتی ، نهضت ملی شدن، کودتای ۲۸ مرداد )

\_سیاستهای حکومت پهلوی (داخلی و بین المللی)

\_مفاهیم و مباحث نظری پیرامون انقلاب اسلامی

لازم است تا برای فراگیری هر چه بهتر درس تاریخ روابط خارجی ایران به مرور دوباره اما مختصر این درس بپردازیم.

تداوم حکومت خاندان پهلوی ، جنگ دوم جهانی و شرایط ایران :

تبعید و مرگ رضا شاه :

۲۵ شهریور ۱۳۲۰ که رضا شاه (سه هفته پس از اشغال ایران توسط متفقین ) تبعید شد، روز پایان حیات سیاسی او و آغاز حیات سیاسی فرزندش محمدرضا پهلوی است . استعفا و تبعید

رضا شاه، پس از آن صورت گرفت که دولتهای روسیه و انگلستان به دلیل مناسبات رو به گسترش رضا شاه با آلمان هیتلری، سه بار به وی هشدار دادند. در آن زمان، اخبار و گزارشهای دریافتی از جبهه های جنگ دوم جهانی، حاکی از پیشرفت روز افزون آلمان و شکست ها و عقب نشینی های متفقین بود. رضا شاه نیز که پیش بینی پیروزی آلمانی ها را در جنگ داشت، برای حفظ استقلال کشور و برای حفظ موجودیت خود، موضع ایران را بی طرفی در جنگ اعلام کرده بود. فردوست در اینباره می نویسد: در اوج قدرت نازی ها در آلمان، به دستور رضا خان یککابینه جوان به نخست وزیری متین دفتری روی کار آمد. وظیفه این کابینه نزدیک شدن به آلمان بود. عملاً نیز روابط تجاری و صنعتی بین ایران و آلمان توسعه یافت. با پیشرفت آلمانها در جنگ و نزدیک شدن آنها به کوههای قفقاز، رضاخان هم به انگلیسی ها ناسزا می گفت اما با شروع شکست آلمان، رضاخان دستپاچه شد و منصورالملک را (که از مهره های انگلیس به شمار می رفت) نخست وزیر کرد. از دید رضا شاه، اعلام بیطرفی، موضعی مناسب در برابر دو جبهه ای بود که یکی به عقیده وی در حال سقوط بود، اما در پشت مرزهای ایران کمین کرده بود، و دیگری در حال پیروزی، اما با مرزهای ایران فاصله داشت. در چنین شرایطی رضا شاه بنا داشت در برابر تهدیدات روسیه و انگلیس به سیاست وقت کشی روی آورد. او به ویژه تهدیدات روسها را (در وضعیتی که اوکراین به اشغال نظامیان هیتلر درآمده و آلمانی ها به سوی مسکو در حرکت بودند) جدینگرفته بود. پنجم تیر ۱۳۲۰ (یعنی ۴ روز پس از شروع عملیات نظامی گسترده آلمان علیه روسیه) دولتهای روسیه و انگلستان طی دستور مشترکی به رضا شاه از وی خواستند تا سریعاً نسبت به اخراج مستشاران آلمانی از ایران اقدام کند. این تصمیم از سوی سفیر انگلیس و سفیر روسیه اتخاذ شده و در ملاقاتی با رضا شاه به وی ابلاغ شد. رضا شاه نیز که تصور پیروزی آلمان را در جنگ داشت، در پاسخ سفیران انگلیس و شوروی اعلام کرد که ایران کشور بی طرفی است و فعالیت آلمانی ها در ایرانهم محدود به کارهای ساختمانی و امور بازرگانی است.

۲۸ تیر، اخبار دیگری به ایران داده شد. بالاخره ۲۵ مرداد، یادداشت مشترک انگلیس و روسیه، به منزله اتمام حجت به ایران بود. سرانجام، روز سوم شهریور ۱۳۲۰ سربازان ارتش سرخ از مرزهای شمال و نیروهای انگلیسی از بنادر جنوب به ایران حمله ور شدند و سفیران انگلیس و

روسیه صبح همان روز ، علت این اقدام را طی یادداشت‌های جداگانه ای به نخست وزیر ابلاغ کردند.

شروع نگاه امریکا به ایران:

همان روز تلگراف مفصلی با امضای رضا شاه، به روزولت ، رئیس جمهور امریکا مخابره شد که سرآغاز دوران جدید روابط ایران و امریکا به شمار می آید. هر چند امریکایی هادر آن شرایط نمی توانستند یا نمی خواستند کاری برای جلوگیری از اشغال ایران انجام دهند، اما زمینه مداخلات بعدی خود را فراهم ساختند. روزولت روز ۱۱ شهریور (در حالی که نیروهای روس و انگلیس در شمالو جنوب ایران مستقر شده بودند) به تلگراف رضا شاه پاسخ داد. رضا شاه زمانی پاسخ نامه را دریافت کرد که تمام شرایط انگلیس و روسیه را پذیرفته بود، اتباع آلمانی را از ایران اخراج کرده بود و راه آهن وجاده‌های شمالی و جنوبی کشور را در اختیار نیروهای اشغالگر قرار داده بود. با این همه انگلیسی ها و روس ها پیش از آن که رضا شاه بتواند روابط نزدیک تری با امریکا برقرار سازد، وی را برای استعفا از مقام سلطنت تحت فشار قرار دادند . گرچه مدارک و اسناد معتبر نشان میدهد که بریتانیا (قبل از اشغال ایران) امریکا را در جریان این کار قرار داده بود و حتی طبق برخی اسناد ، این کار با هماهنگی امریکا انجام شد .

هرج و مرج :

زمانی که ایران به اشغال متفین درآمد، موجی از هرج و مرج و بلاتکلیفی سراسر کشور را در بر گرفته بود . اوضاع امنیتی کاملاً بی ثبات بود، بسیاری از امرای ارتش و افسران ارشد گریخته بودند، سربازان باقی مانده در سربازخانه ها مواد خوراکی در اختیار نداشتند، نظم و انضباط در هیچ رده ارتش برقرار نبود، دزدی از منازل مردم و غارت مغازه ها افزایش یافته بود و نظامیان نیز در این غارتگری نقش داشتند . سربازان، اسلحه ها را از پادگانها می ربودند و می فروختند. حتی اسبهای توپخانه به طور پنهانی داد و ستد می شد. بسیاری از هنگهای برگزیده سابق، به یک چهارم قدرت عادی خود تنزل یافته بود، شعار نویسی علیه شاه به پشت

دیوارهای کاخ رضاخان نیز رسیده بود. در مجلس، علناً از لزوم برکناری شاه از مقام فرماندهی کل قوا سخن به میان می آمد. ۲۴ شهریور، رضا شاه آخرین جلسه هیأت دولت را تشکیل داد و به وزیرانش گفت به زودی کشور را ترک خواهد کرد. آخرین جمله شاه به وزیران این بود که: راز موفقیت من این بوده که هرگز با هیچ کس مشورت نمی کردم و خود کارها را مطالعه می کردم! ( آخرین روزهای رضاشاه؛ ریچارد استوارت؛ نشر نو؛ ۱۳۷۰؛ ص ۳۳۷). وقتی در سپیده دم ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خبر پیشروی نیروهای روسی مستقر در قزوین به سمت تهران به اطلاع رضا شاه رسید، وی فروغی نخست وزیر را به کاخ احضار کرد و از او خواست تا پیش نویس استعفانامه را بنویسد. فروغی استعفا نامه را به امضای شاه رساند و سپس به دستور او رهسپار مجلس شد تا آن را برای نمایندگان قرائت کند. با این همه، وی قبل از رسیدن به مجلس، بدون اطلاع شاه راهی سفارت انگلیس شد و استعفا نامه را به سفیر انگلیس نشان داد. زمانی که متن استعفانامه در جلسه مجلس قرائت می شد، رضا شاه در راه اصفهان بود. او به خانواده خود که قبلاً از تهران منتقل شده بودند، پیوست. در ساعت ۸ بامداد ۲۵ شهریور، تانکها و زره پوش های روسی اطراف فرودگاه مهرآباد مستقر شدند و ساعتی بعد نیروهای انگلیسی که از قم به طرف تهران به راه افتاده بودند، به راه آهن رسیدند. تهران هیچ شباهتی به یک شهر عادی نداشت. خیابانها کاملاً خلوت بود. هیچ مغازه های باز نبود. مردم حتی اتومبیل های خود را نیز از ترس آن که به دست اشغالگران بیفتد، پنهان کرده بودند. روز ۲۶ شهریور در حالی که تهران در اشغال نظامیان روس و انگلیس قرار داشت، محمدرضا پهلوی جانشین جوان رضا شاه در مجلس سوگند یاد کرد. رضاخان پهلوی، ساعت ۵ بامداد روز ۲۶ ژوئیه ۱۹۴۴ (۴ مرداد ۱۳۲۳) در شرایطی که جنگ جهانی دوم به سرعت به نفع انگلیس و روسیه پیش می رفت، بر اثر یک حمله قلبی درگذشت.